



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۰/۰۸/۰۷

خان آقا

به سلسله دوام بحث در مورد دولت جمهوری و سیستم کدري آن

به سایت محترم افغان جرمن آنلاين بسلسله دوام بحث در مورد دولت جمهوری و سیستم کدري آن هر یک محترمان دوکتور سید عبدالله کاظم و محترم احسان لمر مقالات عالمانه منتشر فرموده اند خواستم نکاتی چند در مورد عرض داشته باشم .

بتوجه محترم دوکتور سید عبدالله کاظم و محترم لمر صاحب!

این جانب مقالات جناب عالی را مطالعه از درایت ، تربیت و زیبا نویسی شما لذت برده با نهایت عجز و معذرت بخاطر معلومات شما و محترم دوکتور سید عبدالله کاظم بعرض می رسانم؟ مرحوم جیلانی باختری اینکه عضو پرچم بود یا نی را خدا می داند و متصدیان حزب پرچم ولی تحت اداره شان در کانال ننگرهار کار می نمودم و با پرچمی ها بخاطر اینکه آنها بنا بر پلان حزبی شان و تحریک اخوانیها تبلیغ می نمودند که ما در دولت شریک هستیم و چی و چی دیگر کار جد است ؟ و در زمانش مطابق به وظیفه خود با ایشان مبارزه نموده و صورت گرفته بود ولی نباید منکر شد که دولت ها در تشکیل کابینه خود به شخصیت های چیز فهم و با دانش و تحصیل یافته ضرورت می داشته باشند تا مطابق به اهلیت شان ، دولت از آنها در فعالیت ها مطابق مشی خود استفاده داشته باشد . باختری سند ماستری خود را در رشته اداره عامه از امریکا داشته و یکی از رئیسای وزارت زراعت بودند . موصوف در دوره وزارت خویش خوب درخشیده ، بخاطر دارم که سه بار از من خواهش دوستانه کرد که دوصد نفر با مواد اعاشه مورد ضرورت شانرا هر بار برای مدت دو ماه بخاطر اعمار فارم بکواه به ولایت فراه بفرستم و این امر خود را چنان مهربانانه برایم گفت که اگر اجازه می داد من خود اشتراک می نمودم در ضمن ایشان در دوره تصدی وزارت زراعت خویش سه فارم را دواطلبانه و قسمی از سر جمع بودجه دولتی اعمار نموده اند که عبارت اند از فارم بکواه ، فارم 26 سرطان و فارم جمهوری که فارم های 26 سرطان و جمهوریت حاصلات خود را بشوروی وقت صادر نموده بود که آمر فارم جمهوری محترم انجنیر شیرزی و با تاسف اسم آمر فارم 26 سرطان را فراموش نموده ام ، کاش دوره کار جیلانی باختری در وزارت زراعت بیشتر دوام می نمود یا بعوض شان شخصیت مسلکی زراعت تعیین می گردید ؟

در مورد فیض محمد خان وزیر داخله باید عرض نمود ، ایشان یک افسر متعهد به منافع ملی کشور بودند قبل از کودتا و بعد آن از جمله افراد تسلیم طلب به گفتار رهبری نبوده و با سائر افسران کودتایی و افسران عالی رتبه نظامی برخورد مودبانه داشته از هیچ یک از کودتاییان خود را برتر مثل عده ای دیگر حساب نکرده با تاسف علیه موصوف ، بخاطر موضع گیری های غیر تسلیم طلبانه شان ، چه قبل از کودتا و چه در دوره جمهوریت بذرایع مختلف انتقام جویی شده حتی تقرر تعداد سی و شش نفر از اعضای حزب پرچم را بصفت ولسوالان که به لزوم دید خود دولت شده بود که مسئولیت تربیتی و تعلیمی آنها را وزارت معارف در نظر داشته باشد را بدوش وزیر داخله به تبلیغ گرفتند و به عکس العمل صریح موصوف روبرو شدند و ، واضحاً گفته بود، امر تقرر را شما داده و بنام من آن را ختم می نمایید ؟ از این فهمیده شده می تواند که اختلاف نظر بین ایشان ورهبری دولت وجود داشته بود . شاهد عینی که با وزیر صاحب مالیه یکجا بدفتر وزیر داخله رفته بود ، برایم قصه نمود ، جنرال خان محمد خان مشهور به مرستیال را بخاطر تقاضای ملاقات با وزیر داخله بدفتر وزیر داخله آوردند، وزیر داخله مالیه را نیز در جریان قرار داده و از ایشان دعوت کرده بود تا هر دو صحبت جنرال صاحب مذکور را بشنوند . خان محمد خان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

وقتیکه بدفتر وزیر داخله ، آمد ، وزیر چون افسر جوان نظامی بود در برابر جنرال استاد و تقاضای نشستنش بالای کوچ را نمود جنرال مذکور گفت از ما چوکی نشستن خلاص است و قذیفه خود را روی قالین انداخته و بالای آن نشست ، وزیر داخله از ایشان پرسیده جنرال صاحب کدام هدایت داشتید که تقاضای ملاقات را نموده بودید ؟ جنرال صاحب موصوف گفت بلی آمده ام بگویم که کودتا می کردم ؟ وزیر پرسید ، چرا جنرال صاحب کودتا می کردید ، یک مدت اجازه می دادید و توجه می داشتید که بکشور کار می کردیم یا خیر ؟ جنرال خان محمد خان مرستیال گفت : بخاطریکه مملکت را شما ضابطان خراب می کنید من حیث مسئولیت وجدانی و تعهد در برابر وطن کودتا می نمودم. وزیر مالیه چیز هایی گفت ولی وزیر داخله آنرا تحدید نمود ، که در حضور من حق ندارید با جنرالان کشور چنین صحبت نمایید.

هم چنان روز عزیمت فیض محمد خان به جاگارتا بخاطرم است و من خود شاهدیم که حین عزیمت شان به جاگارتا اصلاً در میدان هوایی کابل کسی از مامورین وزارت خارجه و سایر وزارت خانه ها بخاطر خدا حافظی نیامده بودند که بی پاسی و کم توجه ای دولت در برابر نامبرده را به نمایش می گذاشت که در خدا حافظی یکی از موسسین خود دولت چنین برخورد می نماید.

در مورد تعداد سیزده نفر پرچمی های گارد ریاست جمهوری بنابر فرموده جنرال صاحب رشاد گرچندیکه جنرال صاحب رشاد دو دوره پیشتر از این جانب ، فارغ التحصیل شده اند که حیثیت استاد را بمن دارند حضور شان بعرض می رسد ، سیزده نفر مذکور از طرف هیئت منخبه ستر درستیز از قطعات مختلفه تعیین شده بودند وقتیکه دولت از فعالیت های سیاسی آنها بطرف داری حزب پرچم مطلع شد اجباراً تبدیلی آنها را روی دست گرفت ولی ، نباید مقامات مربوط جکرن گل آغا بعد ها جنرال رئیس سیاسی و معاون صدر هیئت شورای انقلابی را از مدیریت اوپراسیون گارد تبدیل می نمودند چه ایشان تاجاییکه مطلع بودم یکی از سر سپردگان به شخص رئیس جمهور محمد داود بودند ، هرگاه نامبرده وجود می داشت گارد جمهوری را هیچ یک از احزاب سیاسی بر ضد دولت جمهوری استعمال نموده نمی توانست و من به یقین اطلاع داشته و می نگارم که دولت جمهوری مشکلات بی حد و اندازه تشکیلاتی را داشت و بموضوعاتیکه باید توجه می کرد را نموده نمی توانست بخاطریکه همه امور کشور را باید یک شخص هدایت می فرمودند و تراکم کار سبب بروز مشکلات تشکیلاتی شده بود.

اینکه آغای کاظم هرچه می خواهند می نویسند ، بنویسند و حق دارند بنویسند و کار ایشان است که الحمدالله قلم توانا دارند ، ولی توجه داشته باشند که سر گروپ ها را به هر طوریکه بوده شخص رئیس جمهور می شناخت و گاه گاهی و جداگانه با یک ویا چهار نفر آنها دید و وادید می داشت و هیچ گروپ از گروپ دیگر و بداخل گروپ هیچ شخص از شخص دیگر خبر نداشت که کی عضوه گروپ است یا کی نیست ؟ نمی دانم آغای کاظم از کجا در حالیکه هیچ نوع رابطه با کودتاییان نداشتند و بر اساس شناخت با سید عبدالاله وزیر مالیه بصفت رئیس پوهنزی اقتصاد در حال داشتن رتبه پوهیالی بعوض پوهاند مقرر شده و سبب اعتراض عده ای از کدر های بلند پوهنتون خلاف تشکیلات و نورم تشکیلاتی پوهنتون را بار آورده بودند که با مداخله دوکتور شرق و گوش زد بوزیر معارف که چرا توجه نتوانسته است و موضوعات دیگریکه نوشتن آن ضرور نیست ؟ ایشان حتی کودتای مرحوم دگر جنرال مستغنی را صریحانه با وصف نشر فلم دو روز پی در پی به دوکتور شرق نسبت می دهند نمی دانم بکدام سند؟

در مورد تقرر جنرال مستغنی بصفت لویدرستیز : ساعت 7 بجه و چهل و پنج دقیقه شب که تقرر لویدرستیز مستغنی به نشر سپاریده می شد ، جکتورن ضیاء مجید قوماندان گارد جمهوری بسرعت بسواری موتر ، جیب تویوتای دو دروازه ای رنگ خاکستری بصدارت عظمی تشریف آورد در حالیکه جگرن پاد شاه گل و جکتورن عبدالحمید محتاط و من نشستیم بودیم از تقرر لویدرستیز صحبت نمود و عجله داشت که قبل از خبر هشت شب برادریو رفته تا خبر نشر شود ؟ پاد شاه گل خان و محتاط خاموش بودند من ، پرسیدم کی لویدرستیز شده است ؟ گفت جنرال مستغنی ، گفتم مستغنی صاحب جنرال با دسپلین است ولی اهل بیت لویدرستیزی دوره جمهوریت را ندارد ؟ ضیاء دست به تفنگچه برد و گفت خاموش حق نداری در انتخاب رهبر انتقاد کنی ؟ من هم غم غم کنان چیز هایی گفتم ، محتاط چون محتاط است خاموش ماند ولی پاد شاه گل مداخله کرده گفت ضیاء جان چرا حق نداشته باشد ؟ ضیاء بموتر سوار و بطرف رادیو رفت ، بعدش معلوم نشد که در مورد من چه تصمیم گرفتند ولی لویدرستیز مستغنی در مورد من الی اخیر مهربان بودند روح شان شاد ، فضل خدا هر سه نفر زنده و حیات دارند ، اعتراض در برابر شخصیت چون مستغنی نبود بل بخاطر کشور و بخاطر این بود که باید از همه کودتاییان در چنان مورد مشوره می شد که رهبری دولت جمهوری مشوره را خوش نداشت.